



بهر روز شعبی با «آغوش باز» به فرهنگسرای اندیشه می‌آید

فیلم سینمایی «آغوش باز» به کارگردانی بهروز شعبی در باشگاه «سینما اندیشه» فرهنگسرای اندیشه، آکران، نقد و بررسی می‌شود. این فیلم روایتگر ۳ قصه عاشقانه است. ۳ زوج که درگیر روابط عاطفی پیچیده‌ای هستند، فرصت می‌یابند در مواجهه با چالش‌های زندگی و احساسات درونی خود، تعریفی نو از عشق پیدا کنند. فیلم «آغوش باز» شش‌مین ساخته بهروز شعبی، به تهیه‌کنندگی علی سرتیپی، در بخش سودای سیمرغ چهل‌وپنجمین جشنواره فیلم فجر حضور داشت. این فیلم پس از نمایش با حضور بهروز شعبی کارگردان فیلم، مهرداد یونسند و منتقد سینما و محسن سلیمانی فاخر کارشناس و منتقد سینما، نقد و بررسی خواهد شد. این نشست امروز ۱۸ مهر، ساعت ۱۷ برگزار می‌شود و حضور برای سینمادوستان و علاقه‌مندان، به نشانی خیابان شرعیتی، نرسیده به پل سیدخندان، بوستان شهید منفر د نیای، فرهنگسرای اندیشه، آزاد و رایگان است.

«اسکار»

آماده نمایش شد

فیلم کوتاه «اسکار» به نویسندگی و کارگردانی علی اصغری و تهیه‌کنندگی سیدمهدی قائم‌مقام در چهل‌وپنجمین جشنواره فیلم کوتاه تهران در بخش استعداد نو آکران خواهد شد. امیر کربلایی‌زاده، پرینسا علیزاده، صبا خراسانی، رضا سخایی‌فر، ندا حسینی، محمد نوحیان، امیرحسین لیلیج و حسین عباسپور بازیگران این فیلم کوتاه هستند. در خلاصه داستان «اسکار» آمده است: من باید تو این فیلم بازی کنم چون این فیلم زندگی منو نجات میده. علی اصغری آثاری مانند فیلم‌های «دهلیز»، «گربه سیاه»، «ابن‌بابای چوینی»، «شیفت شب»، «فصل فراموشی فریبا»، «سونامی» و سریال‌های «ممنوعه»، «کرگدن» و «هفت» را به عنوان فیلمنامه‌نویس در کارنامه دارد و در سال‌های اخیر با کارگردانی نمایش‌های «کافه لکانته»، «کمدی گمنام» و «خشت خام خانه» در عرصه تئاتر حضور داشته است.

«زن و بازبابی هویت حقیقی»

چاپ هفدهمی شد

کتاب «زن و بازبابی هویت حقیقی» شامل گزیده بیانات حضرت آیت‌الله‌العظمی خاмене‌ای مدظله‌العالی، رهبر انقلاب که با هدف تبیین مسائل مختلف مربوط به حوزه زن با موضوع بازبابی هویت حقیقی و با نگاهی به شرایط موجود در جوامع اسلامی و غربی گردآوری شده، به تازگی توسط انتشارات انقلاب اسلامی به چاپ هفدهم رسیده است. این کتاب در ۴ بخش اصلی و ۲۲ فصل به بررسی مسائل مختلف حوزه زن و خانواده می‌پردازد و بین موضوعات آن می‌توان به پیشینه تاریخی، نگاه غرب به زن، الگوی قرآنی اسلامی زن، برابری و تفاوت میان زن و مرد، عوامل انحطاط زن، نقش زن در خانواده و اجتماع و مسائل مربوط به حجاب اشاره کرد. «زن و بازبابی هویت حقیقی» با توجه به اهمیت و جایگاه ویژه زن در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در ۴ بخش، توسط جمعی از محققان و پژوهشگران تدوین شده است.

در آمد ۱۸.۵ میلیارد تومانی گیرما

در ۶ ماه

این روزها تولید محتوا یکی از جذاب‌ترین زمینه‌های درآمدزایی در فضای مجازی محسوب می‌شود و بسترهای اشتراک ویدئو، در این حوزه به بازارهایی با گردش مالی قابل توجه تبدیل شده‌اند. طبق گزارشی که به تازگی منتشر شده، تعداد کاربران‌کی که از سیستم درآمدزایی پایگاه آپارات استفاده می‌کنند در ۶ ماهه ابتدایی سال ۱۴۰۳ به عدد ۵۹ هزار رسیده است که در مجموع ۴۳ میلیارد تومان از سیستم تولید محتوایی ویدئویی درآمد کسب کرده‌اند. رتبه اول درآمدزایی مربوط به کاربرانی است که در حوزه «میم» تولید محتوا داشته‌اند و در ۶ ماهه ابتدایی امسال بالغ بر ۱۸.۵ میلیارد تومان از این سایت کسب درآمد کرده‌اند. مجموع درآمد کاربران فعال در حوزه «تحصیلات و یادگیری و علوم پایه» هم در همین مدت به مرز ۶ میلیارد تومان رسیده است. در همین مقطع زمانی کاربران تولیدکننده محتوا در حوزه «بازی و سرگرمی» با مجموع درآمد نزدیک به ۳ میلیارد تومان، در رتبه سوم درآمد قرار داشته‌اند و در مقام چهارم پردرآمدترین موضوعات هم می‌توان به «خوردو و وسایل نقلیه» اشاره کرد که در نیمه نخست امسال مجموع درآمد کاربران این حوزه به ۲ میلیارد و ۳۵۰ میلیون تومان رسیده است. همچنین «موسیقی»، «فناوری و رایانه» و «غذا و نوشیدنی» را هم باید دیگر حوزه‌های پردرآمد به شمار آورد که کاربران علاقه‌مند به این موضوعات در مجموع در هر بخش به صورت جداگانه حدود ۲ میلیارد تومان از سایت آپارات طی ۶ ماه کسب درآمد داشته‌اند.

ترجمه آخرین رمان یوسا وارد بازار نشر شد

کتاب «سکونت» تقدیم به شما» آخرین رمان ماریو وارگاس یوسا به تازگی با ترجمه مجدالدین ارستجانی توسط نشر لگا منتشر و روانه بازار نشر شده است. رمان جدید برنده جایزه نوبل ماریو وارگاس یوسا، داستان مردی است که رؤیای ساختن کشوری آرمانی از طریق موسیقی را دارد و در تلاش برای نوشتن کتابی درباره آن دیوانه شد. تونی اسپیکولونتا روزهایش را به کار در مدرسه و نیز عشق بزرگش موسیقی پرویی می‌گذراند که از جوانی در حال پژوهش درباره آن بوده. یک روز، تماسی تلفنی زندگی‌اش را تغییر می‌دهد. دعوتی برای شنیدن ساز گیتار نوازی ناشناخته؛ لولو فولفینو که به نظر می‌رسد گواه اندیشه‌ای است که مدت‌هاست درگیر آن بوده؛ نیروی نهفته در موسیقی فراتر از لذت‌های فردی است. موسیقی می‌تواند انقلاب کند. داستان و جستار به نحوی جادویی در این رمان در هم آمیخته‌اند؛ رمانی که برنده جایزه نوبل پرویی دوازه در آن به مساله آرمان شهر می‌پردازد. این کتاب با ۲۶۳ صفحه و قیمت ۳۰۵ هزار تومان عرضه شده است.

گفت‌وگوی «وطن امروز» با مصطفی دالایی، کارگردان فیلم «سه نسل آواره» نخستین مستند درباره فلسطینیان ساکن در اردوگاه‌های لبنان

روایت بعلبک

محمد محمدی: «سه نسل آواره» را باید نخستین مجموعه مستند پیرامون آوارگان فلسطینی دانست؛ مستندی که به کارگردانی مصطفی دالایی، تهیه‌کنندگی مهدی همایونفر و نویسندگی شهید سیدمرتضی آوینی سال ۷۱ در شبکه ۲ سیما تولید شد. از نکات قابل توجه در این مستند این‌که حین فیلمبرداری در اردوگاه‌های فلسطینیان، «سیدعباس موسوی» دبیر کل حزب‌الله لبنان به شهادت رسید و سیدحسین نصرالله به عنوان دبیر کل جدید انتخاب شد. شهادت سیدعباس موسوی باعث شد بخشی از این فیلم به زندگی این مجاهد شهید بپردازد، همچنین مهدی فلاح‌ت‌پور در آخرین روز فیلمبرداری این مستند در اردوگاه بعلبک توسط اسرائیل به شهادت رسید و نام خود را در صدر فهرست هنرمندان به شهادت رسیده توسط اسرائیل قرار داد.

مصطفی دالایی از جمله مستندسازانی است که دهه به صورت کاملاً حرفه‌ای در سطح اول سینمای ایران مشغول ساخت و تولید آثار بسیار مهم و تاثیرگذار است؛ مستندسازی که همواره نامش با سیدمرتضی آوینی در هم آمیخته و بسیاری از آثار خود را با همکاری سید شهیدان اهل قلم به سرانجام رسانده است. «باتک روز چهارم»، «شب عاشورایی» و «دل‌باخته» از جمله آثار این مستندساز است. این روزها در سالگرد عملیات توفان الاقصی و در حالی که شاهد جنایات

وحشیانه رژیم صهیونیستی در غزه و جنوب لبنان هستیم، ۲۲ سال پس از ساخت فیلم «سه نسل آواره» با مصطفی دالایی به گفت‌وگو نشستیم.

■ **آقای دالایی شما سال‌ها پیش در سفری که به لبنان داشتید، مستندی با عنوان «سه نسل آواره» را تولید کردید؛ لطفاً درباره چگونگی شکل‌گیری ایده این مستند بگویید؟**
پس از اتمام جنگ، سیدمرتضی آوینی و مهدی همایونفر به این نتیجه رسیدند با توجه به تاثیرات انقلاب اسلامی در سایر کشورها مجموعه مستندی را با این موضوع تهیه کنند، البته مرتضی آوینی در سال‌های ۶۸ و ۶۹ مجموعه مستندی با عنوان «سنسیم حیات» را تولید کرده بود که برای آن مجموعه، مهدی همایونفر و برخی بچه‌ها به لبنان رفته و تصاویری را ضبط کرده بودند اما سال ۷۱ مهدی همایونفر از من دعوت کرد مستندی را با موضوع آوارگی فلسطینی‌ها و شرایط زندگی در اردوگاه‌ها بسازم. مهدی همایونفر چون خودش در این حوزه تحقیقات بسیاری کرده بود، برای من توضیح داد ۳ نسل فلسطینی‌ها اکنون در اردوگاه‌ها با وضع بسیار بدی در حال زندگی هستند و ما می‌توانیم خطرات اینها را از سرزمین‌شان ضبط کنیم.

با همین طرح و ایده به همراهی مهدی همایونفر، مهدی فلاح‌ت‌پور و مرتضی عسگری به سمت لبنان و اردوگاه‌های فلسطینی‌ها رفتیم و گفت‌وگوها و مصاحبه‌های خوبی هم گرفتیم اما همان ایام بود که سیدعباس موسوی، دبیر کل حزب‌الله به همراه همسر و فرزند خردسالش به شهادت رسید و سیدحسین نصرالله به عنوان دبیر کل جدید انتخاب شد و همین موضوع باعث شد ما در همان سفر به موضوع شهادت سیدعباس موسوی نیز بپردازیم و با خانواده ایشان گفت‌وگوهایی انجام دهم. از سویی در روزهای پایانی ضبط در اردوگاه بعلبک در حال فیلمبرداری بودیم که هواپیمای اسرائیلی به منطقه حمله کرد. صبح ساعت ۱۰ بود که کارمان تمام شده بود و داخل ماشین بودیم که مهدی فلاح‌ت‌پور با فریاد گفت: هواپیما ما را هدف قرار داده است. سریع از ماشین پیاده شدیم و چند قدمی فاصله نگرفته بودیم که هواپیمای اسرائیلی ماشین را زد. من مدت‌ها بیهوش بودم و فکر کردم به شهادت رسیدم.

وقتی در

بیمارستان بعلبک سراغ مهدی فلاح‌ت‌پور را از من گرفتند متوجه شدم او به شهادت رسیده است در واقع آقا مهدی بدنش تکه‌تکه شده بود و جز مدارک شناسایی چیزی از او باقی نمانده بود. مهدی فلاح‌ت‌پور نخستین شهید هنرمند بود که توسط اسرائیل به شهادت رسید.

وقتی فیلم‌ها را به تهران آوردیم، محمدعلی فارسی تدوین کار را انجام داد و شهید آوینی هم نویسنده و نریتور کار بود. آقا مرتضی در متنی که برای «سه نسل آواره» نوشته بود یک جمله درباره فلاح‌ت‌پور گفت که بسیار ماندنی شد. او نوشت «ما داریم قصه شهادت مهدی فلاح‌ت‌پور را می‌گوییم و کاش کسی هم پیدا بشود که قصه شهادت ما را بگوید». کمتر از یک سال بعد او هم به شهادت رسید.

■ چه شد به سمت مستندسازی رفتید؟

از همان ابتدا علاقه بسیار زیادی به فیلمسازی داشتم اما با شروع جنگ و تماشای یکی از فیلم‌های مستند متوجه شدم این نوع فیلم دارای ویژگی‌هایی است؛ فیلمبرداری بی‌نقص، نگاه درست به سوز و متن و نریشن عالی دارد و همان‌جا که به دلگرمی می‌کشد من هم در این جمع بودم و می‌توانستم با آنها همکاری کنم؛ کاری که بعدها متوجه شدم مربوط به گروه جهاد تلویزیون با صدا و نریشن آقامرغزی بوده است. البته من یک مدت پس از تعطیلی دانشگاه‌ها وقتی در یک تراشکاری کار می‌کردم به صورت اتفاقی با راهنمایی یکی از دانش‌آموزان همایون وارد «تل فیلم» شدم که آن زمان با حضور ۱۰۰ نفر آموزش فیلمسازی دیدم و در انتها به دعوت آقای خاکبازان، مدیر وقت گروه جهاد تلویزیون به این مجموعه اضافه و از همانجا با آقامرغزی آوینی آشنا شدم و چند مستند مثل «هفت قصه از بلوچستان»، «راکتار او ساختم، من از همان سال ۵۹ که بجهت رفته که در یک قسمت به عنوان کمک فیلمبردار حضور داشتم اما در مابقی قسمت‌ها خودم کارهایی چون فیلمبرداری و مصاحبه‌ها را انجام می‌دادم و در نهایت فیلم‌ها به دست آقامرغزی می‌رسید و او پس از تدوین، با صدای خودش به آنها نریشن اضافه می‌کرد. البته پس از مدتی مجموعه‌هایی که تولید می‌شد به اسم «روایت فتح» پخش شد، در حالی که قبلی‌تر با اسامی مختلفی چون مجموعه «حقیقت‌ها» پخش می‌شد.

در مجموعه «حقیقت‌ها» افرادی چون سسپیل نصیری و شهید علی طالبی حضور داشتند اما با تغییر اسم به مجموعه «روایت فتح» دیگر آقای سسپیل نصیری و بعضی بچه‌های «حقیقت‌ها» نبودند و افرادی مثل بنده، قاسم بخشی، محمد صدری، محمد یوسف‌زاده، غلامحسین پیرهادی، امیراسکندر یکه‌تاز، حسن هادی، ابراهیم حاتم‌ئی کیا و افراد دیگر حضور داشتیم. البته برخی بچه‌ها یا یک قسمت یا نیم‌قسمت در «روایت فتح» حضور داشتند و بعضی دیگر تا پایان جنگ ماندند. آقامرغزی به این قائل بود و همیشه در صحبت‌هایش می‌رود، خودش کارگردانی هم کنند.

به هر حال از انتخاب سوز تا مصاحبه و سایر موارد همگی

سری دوم برنامه «مهمانی» تولید می‌شود

لذت این عروسک‌ها

برنامه‌هایش را دوست دارند؟ طعم‌ماسک برای تبدیل شدن به برند آقای مجری فراز و نشیب‌هایی را طی کرده است. او رشته تئاتر را در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران خوانده و همین موضوع شناخت و علاقه‌اش را به ساخت برنامه‌های عروسکی نشان می‌دهد؛ هر چند برنامه‌های او در شروع کار، بیننده‌های زیادی نداشت و ورود کلاه قرمزی به مرور، آقای مجری را به مرد محبوب دهه شصتی‌ها تبدیل کرد. نخستین دلیل موفقیت طعم‌ماسک کلاه قرمزی به عشق، علاقه و ممارست آقای مجری در برنامه‌سازی برای کودکان بازی‌گردد. طعم‌ماسک در شروع کارش یک مجری معمولی مثل دیگر مجری‌های تلویزیون بود، او حتی در بحبوحه جنگ به برنامه‌هایش رنگ‌شعار و ایدئولوژی نیز می‌داد ولی هر چه گذشت بیشتر و بهتر به فضای کار در تلویزیون پی برد و با هوشمندی متوجه علاقه مخاطبانش شد.

بر اساس همین توجه و تیزهوشی بود که طعم‌ماسک عروسک کلاه قرمزی را از یک برنامه تلویزیونی به یک پدیده در سینمای ایران تبدیل کرد و این شخصیت عروسکی معروف و محبوب شد. طعم‌ماسک قبل از اینکه تصمیم به ساخت فیلم سینمایی «کلاه قرمزی و پسر خاله» بگیرد خود در چند فیلم سینمایی ایفای نقش کرده بود ولی در آخر به همان علاقه همیشگی‌اش که همان کار با عروسک‌ها و برنامه‌سازی برای کودکان و نوجوانان باشد، برگشت. از خوش‌اقبالی، ماهرقت و همکاری طعم‌ماسک با یک هنرمند خلاق دیگر به نام حمید جبلی، اتفاقات مبارکی را در سینما و تلویزیون کشور رقم زد. دهه ۷۰ وضعیت سینمای کودک و نوجوان بهتر از این روزها بود.

این مجری محبوب پس از گذشت سال‌ها همچنان پرستیژ و متنش را حفظ کرده است. ایرج طهماسب در مقابل دوربین خودش است و مردم همین خود حقیقی بودن را دوست دارند. او با همین شخصیت در راس هرم گروهش قرار دارد و ابایی از مطرح شدن دیگر اعضای تیمش ندارد. طعم‌ماسک در گفتار و رفتار اصالتی دارد که آدم از دیدنش

بر عهده فیلمبردارها بود که در نهایت وقتی فیلم‌ها دست آقامرغزی می‌رسید، با تدوین و نریشن که می‌گذاشت، همه فکر می‌کردند کل این اثر از زیر دست یک نفر رد شده است و این یکواختی به نریشن‌ها و تدوین‌های آقامرغزی مربوط می‌شد. به هر حال بنده از همان سال ۵۹ با ورودم به گروه جهاد تلویزیون با آقامرغزی همکار شدم و پس از پایان جنگ هم با حضور در مجله سوژه با او در ارتباط بودم.

■ با توجه به علاقه‌تان به حوزه سینما چرا از ابتدا به سمت ساخت فیلم داستانی رفتید؟

من به سینمای داستانی علاقه داشتم اما فرصش پیش نیامد اما ۶ سال پیش تورج منصوری تماس گرفت و دعوت به همکاری کرد که به عنوان فیلمبردار حاضر بشم و من هم پذیرفتم و آن کار به کارگردانی شهریار بحرانی بود با نام «خط مقدم» با موضوع موشکی شدن ایران که با نگاهی به تلاش‌های شهید طهرانی مقدم با ۱۳ نفر از همکاران‌شان ساخته شد که یکی از همکاران‌شان همین سردار حاجی‌زاده بود، البته بعدها تهیه‌کنندگان فیلم تصمیم گرفتند به جای یک فیلم سینمایی یک مینی‌سریال باشد که در نهایت نیز کار بسیار خوبی شد و همه از آن راضی بودند.

■ با توجه به اینکه خود شما جزو نسل طلایی مستندسازان کشور و ۵ دهه در حال ساخت مستند هستید، وضعیت مستندسازی در کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به نظر مستندسازی ما از سینمای داستانی بسیار جلوتر است. متأسفانه موضوعات سینمای داستانی مأموزعات جلدی نیست و اندک کارهایی با موضوعات جلدی تولید می‌شود. در واقع بیشتر موضوعات در تناسب با وضعیت مردم نیست و می‌شود بسیاری از این فیلم‌ها را با زبان دیگری هم پخش کرد. در واقع فرهنگ مردم ایران در آن متجلی نیست و شخصیت‌ها واقعی نیستند که به ساختار سینمای ما بازمی‌گردد که به دنبال سهیل الوصول بودن و رسیدن به سرمایه است. در حالی که سینمای مستند از این جهت پایگاه و خاستگاه و ایستگاهش در واقعیت و به فرهنگ مردم ایران نزدیک‌تر است؛ اگرچه در اینجا هم مسائلی مطرح است؛ اینکه به تحقیقات از طرف مدیران فرهنگی ما بهای کافی داده شود و برایش بودجه در نظر گرفته شود. اگر اینطور شود و تیم‌های مستندساز را بخوانند و مطالبه کنند، خود به خود آدماهای توانمندتر جذب می‌شوند و سوزو‌ها را بهتر درمی‌آورند اما متأسفانه از سوی مدیران فرهنگی به مستند به عنوان کاری برای پر کردن ساعات سیما نگاه می‌شود یا جنبه‌های تبلیغاتی مد نظر قرار می‌گیرد، در صورتی که این سینما می‌تواند روی زیبایی‌ها، توانمندی‌ها و شاخصه‌های انسانی مانور خوبی داشته باشد و چالش‌ها و مسائل فردی و اجتماعی و کشوری را مطرح کرده و راه‌حل پیشنهاد کند که نیازمندان مدیران شجاع و بودجه‌مناسب است. به هر حال نباید فراموش کرد که بودجه سینمای مستند، بسیار کم است و قابل قیاس با سینمای داستانی نیست، هرچند همین جنبه‌ها باعث شده سینمای مستند وجهه مردمی بیشتری داشته باشد و به زندگی واقعی بسیار نزدیک‌تر باشد.

کیفی می‌کند.

ایرج طهماسب با همین دست فرمان و فرمول به سراغ مجموعه «مهمانی»، قف، مجموعه‌ای که سری نخست آن در شبکه نمایش خانگی با عنوان «مهمونی» و سری دوم آن در شبکه نسیم با عنوان مهمانی نشان داد. همچنان در ۶۵ سالگی پسر خاله، یکی از خاطرات مشترک دهه شصتی‌هاست.

طهماسب بخوبی می‌دانست برای اینکه مردم به اثرش اقبال داشته باشند، باید بتواند یک داستان جذاب و سراسر است را برای‌شان تعریف کند. سپس باید برای عروسک‌هایش شخصیت بسازد و به آنها هویت دهد. طهماسب برای این مقصود با همراهی جبلی و همایون اسعدیان، فیلمنامه «کلاه قرمزی و پسر خاله» را نوشت و شخصیت‌هایی جذاب برای عروسک‌ها در نظر گرفت. هویت‌سازی و دادن کاراکتر به عروسک‌ها، عملی شد تا طهماسب در قسمت‌های بعدی کلاه قرمزی بتواند داستانش را بر پایه شخصیت‌هایش جلو ببرد. طهماسب برخلاف برخی مجری‌ها و برنامه‌سازان تلویزیونی دنبال دیده شدن و مطرح کردن خودش نیست. برای او تیم و خروجی کار اهمیت دارد و نمی‌خواهد به خاطر دیده شدن خودش، کلیت یک برنامه را به فنا بدهد. بارها دیده‌ایم که آقای مجری در برنامه‌های تلویزیونی از عروسک‌هایش کمتر دیده شده است.

این مجری محبوب پس از گذشت سال‌ها همچنان پرستیژ و متنش را حفظ کرده است. ایرج طهماسب در مقابل دوربین خودش است و مردم همین خود حقیقی بودن را دوست دارند. او با همین شخصیت در راس هرم گروهش قرار دارد و ابایی از مطرح شدن دیگر اعضای تیمش ندارد. طهماسب در گفتار و رفتار اصالتی دارد که آدم از دیدنش

